



طراحی مرکز دوستدار کودک با در نظر گرفتن پرورش خلاقیت کودکان؛ نمونه موردی: شهر مشهد

رضا میرزائی^{۱*}، خدیجه صیاداربابی^۲

چکیده

از آنجاکه وضعیت زندگی، رشد و بالندگی کودکان روشن‌ترین نشانه‌ی توان هر جامعه محسوب می‌شود؛ هیچ تلاشی ارزشمندتر از بخشیدن فرداهایی روشن به کودکان وجود ندارد، چراکه کودکان شهروندان شریفی هستند که می‌توانند در ساختن آینده‌ای بهتر یار و یاورمان باشند. پاسخگویی به نیازها و حقوق اولیه کودکان (از جمله تغذیه، آموزش و بازی) در مرحله نخست و سپس بالا بردن کیفیت زندگی کودکان و آماده کردن آنها برای حضور در شهر در مراحل بعد، از اهداف شهرهای دوستدار کودک است. همچنین روز به روز بر اهمیت آموزش و پرورش خلاقیت در کودکان افزوده می‌شود و این در حالی است که دیدگاه جامعه و سیستم آموزشی ما به خلاقیت صرفاً جنبه تزئینی دارد. در اکثر محلات، حتی در شهرهای بزرگ کشور جای خالی فضاهایی برای گردهمایی کودکان و آموزش آنها در جهت رشد خلاقیت آنها حس می‌گردد. از نتایج مطالعات صورت گرفته، مصاحبه و مشاهدات میدانی در پژوهش حاضر به این نتیجه می‌رسیم که محیط تأثیری مستمر و قاطع روی هر موجود زنده دارد، چرا که محیط ارتباط برقرار می‌کند، برگزیده های رفتاری تأثیر می‌گذارد و حواس را به کار می‌گیرد. محیط در بلند کردن یا به زمین زدن کاربران نقش مهمی را ایفا می‌کند. بنابراین باید به اصل توجه به نیازهای کودکان توجه ویژه داشت و پرداختن به آنها از طریق ایجاد محیط‌های متناسب با آنان یکی از راه‌های یادگیری معنادار از محیط و تقویت قوه خلاقانه و تخیل آنها است.

واژگان کلیدی: طراحی، مرکز دوستدار کودک، مشهد، خلاقیت کودک

۱- استادیار گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند (مسئول مکاتبات) Ucjks@gmail.com

۲- کارشناسی ارشد مهندسی معماری، موسسه غیرانتفاعی شاندریز مشهد

۱- مقدمه

بدون تردید حرکت از موقعیت فعلی به شرایط مطلوب که شایسته‌ی کودکان باشد، نمی‌تواند بدون برنامه‌ای دقیق و علمی صورت بگیرد. این جریان همانند تمامی حرکت‌های فکری، فرآیندی است متکی بر کار فکری مداوم، کسب دانش نوین، افزایش همکاری و تفاهم و کسب مهارت‌های جدید برای همه‌ی آن‌هایی که به‌نوعی با مباحث ویژه‌ی کودکان مرتبط هستند و دغدغه‌ی کمال یافتگی آنان را دارند.

امروزه در جوامع شهری، واحد اجتماعی، خانواده، مدرسه و فضاهای شهری در روند آموزش و اجتماعی شدن کودکان دارای اهمیت ویژه‌ای هستند. کودکان با توانایی‌ها، نیازها و بلوغ‌های متفاوتی بر اساس مراحل رشد سنی نحوه شرایط زندگی و بافت اجتماعی محل زندگی، دارای نیازهای روانشناختی بسیار پیچیده‌تر از نیازهای بیولوژیکی و فیزیکی هستند. اگر چه محیط‌های شهری علاوه بر بزرگسالان، مخاطبان خردسال و تیزبینی دارد که بسیار بیشتر از بزرگسالان تحت تاثیر متغیرهای محیطی هستند، اما شهر مدرن نه تنها نمی‌داند چگونه کودک را بپذیرد، بلکه ترجیح می‌دهد او را تا زمانی که به سن رویارویی با محیط شهری برسد در اماکن محافظت شده مانند زمین‌های بازی نگه دارد. کودک امروزی به دلیل معماری خاص شهری و در کنار آن تربیت‌های خاص، کمترین میزان تعامل و برخورد را با اطرافیان دارد و متأثر از بی‌نظمی معماری شهری و فشارهای روانی حاصل از آن، دچار مشکلات عدیده‌ای است.

امروزه دوره کودکی مدرن است بدین معنا که کودک امروزی امکان تجربه در کوچه، خیابان و فضای شهری را به عنوان محل زندگی ندارد و اکثر اوقات خود را در خانه، کلاس فوق برنامه و تحت نظارت مستقیم والدین می‌گذراند و اکثر اوقات فراغت او به دلایل مختلف با وسایلی چون تلویزیون و رایانه و تلفن همراه و... سپری می‌شود. کودکان بیشتر در محیطی رشد می‌کنند که برایشان خسته‌کننده است و به جای تجربه محیط و ماجراجویی در دنیای پیرامون، در جستجوی تخیل، هیجان‌ها، افسانه‌ها و تقلید از تلویزیون و بازی‌های رایانه‌ای هستند و از این کودکان نمی‌توان انتظار انسان‌های جسور، خلاق و کنجکاو داشت. کودکان کمتر در محیط شهر و محله حضور دارند که نتیجه‌اش کاهش تحرک و تعامل و ارتباط و درک محیطی کمتر است و فرصت بازی و حتی راه یافتن با آرامش در شهر برای کودک روز به روز کمتر می‌شود. در سالهای اخیر شاهد بی‌توجهی‌هایی هستیم که به شهروندان کوچک جامعه یعنی کودکان شده است. از دلایل این امر می‌توان به نداشتن اطلاعات تخصصی و آگاهی نظامند از نیازهای آنان در فرآیند برنامه‌ریزی اشاره نمود. بر این اساس هدف پژوهش حاضر، بررسی شاخص‌های شهر دوستدار کودک و نهایتاً معرفی راهکارهایی برای طراحی فضاها و مراکز دوستدار کودک و اختصاصاً طراحی یک مرکز دوستدار کودک در مشهد، جهت پیشبرد شهر به سمت شهر دوستدار کودک و اعتلای اهداف آن است به طوری که مشارکت دادن کودکان در ایجاد محیط‌های ساخته شده اطرافشان و در نتیجه تحلیل نظراتشان، بیشتر مدنظر معماران، طراحان و برنامه‌ریزان شهری قرار گیرد.

۲- ضرورت تحقیق

کودکان نقش مهمی در سلامت جامعه و نسل آینده دارند توجه به مسائل و مشکلات آنها و برطرف کردن نیازهای کمی و کیفی آنها یکی از ضرورت‌های مهم یک کشور می‌باشد. کودکان دارای چشمانی تیز بین هستند محیط بر آنها تأثیر بسیاری می‌گذارد. تلاش برای فراهم کردن یک محیط کودکانه (شهر دوستدار کودک) یک ضرورت مهم به حساب می‌آید.

۳- هدف

معرفی راهکارهایی در طراحی مراکز دوستدار کودک که بتوان با در نظر گرفتن علایق کودک، به بروز و رشد خلاقیت او کمک کند.

۳-۱- اهداف فرعی

- ۱- شناسایی تاثیر عوامل اجتماعی بر امنیت کودکان
- ۲- شناسایی عوامل اجتماعی موثر در ایجاد حس تعلق به مکان
- ۳- شناسایی عوامل کالبدی موثر بر آسایش کودکان
- ۴- بررسی تاثیر عوامل روان شناختی بر ایجاد احساس شادی

۴- چارچوب نظری تحقیق

۴-۱- کودک: تعاریف و مفاهیم پایه

در فرهنگ فارسی معین کودک به عنوان فرزندی که به حد بلوغ نرسیده است تعریف شده است، در ماده یک کنوانسیون حقوق کودکان و همین طور در ماده یک قانون حمایت از حقوق کودکان مصوب ۱۳۸۱ افراد انسانی زیر ۱۸ سال بعنوان کودک معرفی شده اند. کودکان زیر ۱۸ سال را در ۵ دسته می توان گروه بندی نمود (رضوانی و حبیبی، ۱۳۸۷).

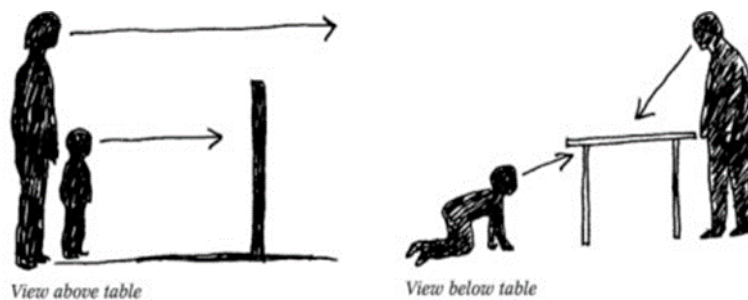
جدول ۱- گروه بندی سنی کودک (رضوانی و حبیبی، ۱۳۸۷)

نوزاد	۰-۲ سال
پیش دبستانی	۲-۵ سال
دبستانی	۵-۱۱ یال
نوجوان	۱۱-۱۴ سال
نوجوان	۱۴-۱۸ سال

با توجه به این گروه بندی واز آنجا که کودکان ۶-۸ سال تا ۳۰۰متر و ۸-۱۲ سال تا ۹۰۰ متر (داوودی مقدم، ۱۳۸۹) از خانه خود فاصله می گیرند و عملا وارد محیط محله و فضاهای شهر می شوند در این تحقیق گروه سنی ۵ - ۱۱ سال برای سن کودک در نظر گرفته شده است.

۴-۲- کودک و تاثیر پذیری از محیط

کودکی و پرداختن به آن به طور خاص قدمت زیادی ندارد. طبق آنچه که مارک دودک در معماری مهدکودک می گوید؛ ایده نگاه به کودکی از غرب و در اواخر قرن ۱۷ میلادی صورت گرفته است (Day, 2007). جان لاک معتقد است که تجربه های نخستین آدمی عمیقا بر زندگی بعدی او اثر می گذارند و بر همین اساس بر نقش تربیت و اهمیت پرورش تاکید می کند. پیاژه در سال های دهه ۱۹۲۰ به این نتیجه رسید که کودکان در مقایسه با بزرگسالان، جهان را به طور دیگری می بینند. کودکان محیط پیرامون خود را تغییر می دهند تا وضعیت خودشان را بهبود بخشند (Day, 2007). برخلاف بزرگسالان که محیط را از طریق فرم درک می کنند، جنبه هایی از محیط برای کودکان مهم است که بتوانند محیط را بر اساس کاربری های مختلفی که به آن می دهند، تغییر دهند. بچه ها به ویژگی های جزیی و تصادفی محیط توجه می کنند. مطالعات پوکک و هادسون (۱۹۷۸) حاکی از توجه بیشتر کودکان به جزییات کف، ویژگی های بدنه جاده و فضاهای بازی کودک دارد (لنگ، ۱۳۸۱). منبع الهام کودک محیطی است که در آن احاطه شده و منبع الهام بزرگسالان، خود اوست.



شکل ۱- ادراک کودک از محیط (منبع: Day, 2007)

۴-۳- تعریف محله

بطور کلی مفهوم واژه محله می تواند از ابعاد مختلف اجتماعی، روانشناسی، ذهنی، ادراکی، معماری (کالبدی) و سیاسی تعریف شود. هریک از ابعاد مختلف، تعریف خاص خود از محله را ارائه می دهند. از سوی دیگر، این تعاریف در جوامع مختلف و نیز درمقاطع تاریخی مختلف می توانند متفاوت باشند. برای مثال براساس ادبیات جهانی، دو واژه neighborhood و township می توان به منزله مفهوم محله ترجمه کرد، در حالی که جمعیت آنها به ترتیب برای ۲۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ نفر و ۱۵۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰ نفر در برمی گیرد. واژه اول، محله مسکونی است که دارای هویت مشخصی است، اما

واژه دوم به محدوده ای اطلاق می شود که علاوه بر بزرگی در اندازه، دارای فرصت های شغلی متنوع است. به عبارتی، فرصت های شغلی از جمله مهم ترین معیارهای تعریف محله است. این محله دارای تجهیزات لازم از جمله مدرسه، سوپرمارکت و مراکز تفریحی است (Barton, et al, 2003).

در شهرسازی "Community" یک ناحیه مسکونی متشکل از چند واحد همسایگی همجوار است که همگی از تسهیلات و خدمات مرکز آن ناحیه بهره مند می گردند (وزارت کشور، ۱۳۷۸، ۸۴). همچنین این واژه محله را علاوه بر ابعاد فیزیکی و کالبدی، برخوردار از ابعاد اجتماعی دیده و به برقراری ارتباطات اجتماعی و استفاده از سرمایه های اجتماعی در محله اشاره می نماید. رابرت کوان در فرهنگ شهرسازی، محله را یک بخش از شهر، فضای اطراف برخی مکان ها یا چیزها و قسمت شناخته شده ای از محیط شهر با کاربری مختلط می داند که با ساختار شهر رابطه تنگاتنگی دارد (Cowan, 2005). آندره دوانی و پلاتر زیبرگ-سردمداران جنبش نو شهرسازی در ایالات متحده، محله را قسمت برنامه ریزی شده ای از شهر با فعالیت های گوناگون انسانی در اطراف یک مرکز قابل تشخیص ساماندهی شده، می داند. در جدول (۲) تعاریف محله از ابعاد مختلف اجتماعی، زیبایی، کالبدی و... آورده شده است.

جدول ۲: تعریف محله از ابعاد مختلف (منبع: ربانی، ۱۳۸۹)

مفهوم	حوزه معنایی	مولفه ها و جنبه های تعریف
ذهنی / درونی	بوم شناختی / فرهنگی / تاریخی	نام / مفهوم نمادین و فرهنگی / عوامل مذهبی و عقیدتی / سیمای ذهنی / احس تعلق
	زیباشناختی	هویت قابل تشخیص / نشانه ها / عوامل حسی و ادراکی
عینی / بیرونی	اجتماعی	سیمای ذهنی و ادراکی ساکنین / قلمرو یک گروه اجتماعی / بنیادی برای شکل گیری و تقویت حقوق و نظام اجتماعی / هم پیوندی اجتماعی / غریب گز بودن / امنیت
	سیاسی / اداری / برنامه ریزی	مرز و محدوده مشخص / کوچکترین واحد در برنامه ریزی شهری / وجود شوراهای و انجمن های مردم نهاد
کالبدی	عملکردی / اقتصادی	محدوده خدماتی / جریان کار و مصرف روزانه شهروندان / اشتغال بومی
	زیست محیطی	نظام ارتباطی / کیفیت زیست و زندگی / بومی بودن / آرامش
	کالبدی	محدوده های کالبدی مشخص / محل زندگی، رفت و آمد اکثریت شهروندان / سازمان و استخوان بندی محله / تراکم ساختمانی و مسکونی / استقرار عناصر خدماتی
	جمعیتی	تراکم جمعیتی / تعداد خانوارها / واحدهای مسکونی / جمعیت پذیری مشخص

۴-۴- تأثیر ادراکی - رفتاری محله

فضاهای باز جزو عناصر اصلی یک محله محسوب می شوند و از همین روی طراحی آن اهمیت ویژه ای در ساختار محله مسکونی ایفا می نماید، به طور کلی استخوان بندی معابر تصمیم گیرنده اصلی، نحوه تفکیک کل محله به واحدهای کوچک تر می باشد، الگوی استخوان بندی معابر هر واحد همسایگی نیز شکل دهنده طرح کلی واحد همسایگی است. اما کیفیت نا مطلوب فضاهای باز محلات مسکونی معاصر، مشکلات متعددی را ایجاد کرده است که از جمله عدم نظارت، کنترل، فعالیت و تداوم حیات اجتماعی در آنها قابل ذکر است (پوردیهیمی، ۱۳۸۲). کیفیت های ادراکی فضاهای باز محله نظیر انسجام، پیچیدگی، راز آمیزی، خوانایی، آشنایی، ازدحام یا آرامش در ترجیح و انتخاب کودکان برای استفاده مداوم از فضاهای محله برای امور مختلف تاثیر گذار است (مظفر و دوستان، ۱۳۸۶).

تجارب محلات مسکونی ساخته شده در بسیاری از کشورها نشان داده است که طراحی کالبد و شکل محیط محله، بدون توجه به عملکردها و خدمات محلی، افراد ساکن و نحوه تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی و از همه مهمتر نیازهای گروههای مختلف ساکنین در آنها، لزوماً فضای مطلوبی ایجاد نمی کند. بنابراین رعایت ویژگی های زیبا شناسانه، ابعاد مناسب و ملاحظات زیبایی شناسی، کیفیت محله ای مطلوب ایجاد نمی کند، عدم استفاده، خرابکاری در محیط، ناامنی، وقوع جرم و یا ترس از وقوع جرم، یکنواختی و خسته کننده بودن برخی محلات مسکونی نگرش یاد شده را تأیید می کنند. به عبارت دیگر؛ محیط های جمعی بسیاری از این محلات پاسخگوی نیازهای ساکنان نبوده اند. بنابراین تأثیر ادراکی- رفتاری فضاهای محله هم با نیاز استفاده کنندگان از جمله کودکان و هم با قابلیت های بالقوه شکل کالبدی و محیط محل ارتباط دارد. اگر چه برخی از نیازهای ساکنان محله می تواند مشترک باشد اما نمی توان از نیازهای خاص گروه هایی نظیر کودکان و نوجوانان صرف نظر کرد. چه بسا کم توجهی به همین نیازهای کودکان بتواند ارزش فضایی محله را کاهش داده و ساکنان را به عدم استفاده از فضاهای باز و حتی جابه جایی از محله سکونتی وادار نماید (مظفر و دوستان، ۱۳۸۶). قابلیت یک فرم از یک سو به نیازهای استفاده کنندگان و انگیزه های درونی آنها و از سوی دیگر به توانایی های بالقوه شکل و فرم کالبدی محیط باز می گردد، از آن

جهت که از یک سو مفهوم عملکردگرایی با مجموعه وسیعی از خصوصیات انسانی درگیر بوده و از سوی دیگر به نگرش معمار نسبت به مجموعه ای از پدیده ها مرتبط می باشد، لذا طرح و طیف وسیعی از نیازهای انسانی چون زیبایی شناسی و نمادگرایی یا معنا شناسی را به عنوان بخشی از عملکرد بنا شامل گردد (مطلبی، ۱۳۸۵).

بنابراین اصل توجه به نیازهای استفاده کنندگان فضاهای محله در گروهها و طبقات مختلف اجتماعی از جمله کودکان مورد پذیرش دیدگاههای مختلف قرار دارد، اگر چه همواره چگونگی تأمین این نیازها محل اختلاف نظر بوده است. بنابر این قابلیت فضاهای محله برای بروز ادراکات و رفتارهای خاص کودکان از یک سو به نیازهای ادراکی- رفتاری کودکان و انگیزه های درونی جستجو و کشف در آنها و از سوی دیگر به توانایی های بالقوه فضاهای باز مسکونی باز می گردد.

۴-۵- تجربه کودکان از محیط های محلی شهری

راه رفتن بین خانه و مدرسه کودکان را قادر به یادگیری محیط اطراف می سازد. بازی و بیرون رفتن با دوستان فعالیت های قابل توجهی هستند که توسط بزرگترها نادیده انگاشته می شوند، درحالیکه آنها بخشی از تجربه دوران کودکی هستند (Cunningham et al., 1996). همانطور که (Hardin, 2000) استدلال می کند، محله بطور بالقوه بعنوان یک فضای مهم محلی، در نیمه راه بین فضای امن خانه و درک خطرات فضای عمومی عمل می کند. این بیان می کند که: حوزه های محلی یا محله مسلماً بعنوان یک چشم انداز خطر از طریق عواملی چون ترس از غریبه ها و افزایش ترافیک سواره بازسازی شده است. رساندن کودکان با اتومبیل و همراهی مداوم آنها توسط یک بزرگسال در فضای عمومی می تواند ساده ترین راه جلوگیری از فعالیت های بیرون از منزل و ارتقاء فردیت و توسعه استقلال کودک باشد. اقدامات خودکار کودکان در فضای عمومی مهارتهای آنها را می سازد که تا بزرگسالی ادامه خواهد پیدا کرد (Tranter and Pawson, 2001a; Collins and Kearns, 2001a; Pawson, 2001). همچنین حضور کودکان در فضای عمومی ممکن است فواید گسترده تراجتماعی را داشته باشد، مانند: درک از جامعه، احساس اعتماد و حمایت متقابل (Tranter and Pawson, 2001). حضور کودکان اغلب کمک می کند تا حایل های بین بزرگسالان شکسته شود و خیابانها را جذاب تر، اجتماعی تر و قابل زندگی می سازد. بهرحال کودکان نیاز به فرصت هایی دارند که در آن به ملاقات و معاشرت با یکدیگر، جدا از مکان های کنترل شده توسط معلمان و والدین بپردازند (Simpson, 1997). تصمیم گیری بزرگسالان موانعی را برای تحرک کودکان ایجاد می کند و می تواند منجر به عدم احساس و تعلق نسبت به محله خود شود (Christensen and O'Brien, 2003). (Loukaitou-Sideris, 2003) در مطالعه چهار سایت شهری در جنوب کالیفرنیا دریافتند که تنها 16٪ از کودکان 7 ساله اجازه داشتند که بیشتر از یک بلوک بدون همراهی بزرگسال بروند و 30٪ از کودکان 11-12 سال به تنهایی از یک فضای عمومی بازدید کردند. علاوه بر این Cunningham and Jones (1999) کشف کردند که تنها 6٪ از کودکان استرالیایی در بیرون فضای محله خود بازی کرده اند (Mitchell, 2007).

همراهی کودکان فرصت یادگیری و چگونگی ایفای نقش آنها در محیط های شهری را محدود میکند (Timperio et al., 2004). اغلب کودکان درک می کنند که جهانی وجود دارد که آنها از آن محرومند و برای فرصت کشف و یادگیری بیشتر در مورد آن، خواسته های خود را بیان می کنند (Tranter and Pawson, 2001). خلاصه اینکه، عدم قبول والدین در فضاهای باز بدون نظارت، ترس از غریبه ها و خطر ترافیک و عدم تمایل والدین به تشویق فرزندان خود برای بازی در فضای خارج از خانه و ترکیبی از آنها، نسلی ناآشنا و غریبه با محیط محلات را بوجود آورده است (Mitchell, 2007).

۴-۶- تعریف شهردوستدار کودک

از منظر کنوانسیون حقوق کودک، یک شهر دوستدار کودک بدنبال اجرای تعهد خود برای تحقق بخشیدن به طیف وسیعی از حقوق بشر برای همه کودکان است (Riggio, 2002). طرح شهر دوستدار کودک یونسف متعهد به اجرای تمام حقوق کودکان در سطحی که تاثیر مستقیم بر زندگی کودکان دارد است. کنوانسیون به نوبه خود با نیازها و حقوق خاص کودکان در داد و ستد است. طرح شهردوستدار کودک نیاز دارد که دولت ها در جهت بهترین منافع کودکان عمل کنند. در همین زمان، این یک استراتژی برای ارتقاء بالاترین کیفیت های زندگی برای همه شهروندان از جمله کودکان بعنوان جمعیت آسیب پذیر است. یک شهردوستدار کودک حق هر شهروند جوان را در موارد زیر ضمانت می کند:

- تصمیم گیری در مورد شهر خود؛
- اظهار نظر در شهری که آنها می خواهند؛
- شرکت در خانواده، جامعه و زندگی اجتماعی؛

- دریافت خدمات اساسی مانند مراقبت های بهداشتی، آموزش و پرورش و سرپناه؛
- آب سالم بنوشد و به امکانات بهداشتی دسترسی داشته باشد؛
- از استثمار، خشونت و سوء استفاده محافظت شود؛
- پیاده روی با خیال راحت در خیابان ها بصورتی که می خواهد؛
- دیدار با دوستان و بازی؛
- فضای سبز برای گیاهان و حیوانات؛
- زندگی در یک محیط پاک؛
- شرکت در رویدادهای فرهنگی و اجتماعی؛
- بودن یک شهروند با حقوق برابر با دسترسی به هرنوع سرویس، بدون در نظر گرفتن منشأ نژادی، مذهب،
- درآمد، جنسیت یا از کار افتادگی (UNICEF, 2004b).

هیچ تعریف واحدی از اینکه یک شهر، دوستدار کودک است یا باید باشد وجود ندارد. در واقع اسناد به این سمت می روند که بگویند شهرها هیچگاه به مقام دوستدار کودکان دست نمی یابند، چون آنها همیشه در حال تغییرشکل و پاسخ به تغییر شرایط داخلی و جهانی هستند (Sipe, et al., 2006). در برخی شهرها درملل توسعه یافته، گرایش ها بیشتر بر مسایل فیزیکی و محیطی مانند بهبود فضاهای تفریحی و فضای سبز و کنترل ترافیک برای اینکه خیابانها برای شهروندان جوان امن باشند، تاکید دارند. در جوامع کم درآمد، تمرکز اغلب آنها برافزایش دسترسی به خدمات اساسی مانند آب آشامیدنی، سرپناه و مواد غذایی است. مدلاستانداری که نشان دهد شهردوستدار کودک شبیه چیست؟ وجود ندارد. درحالیکه تاکید بر دوستی کودک بین نهادهای متفاوت است، ارزش گذاری رایج این است که شهرها، جوامع و محله ها را برای کودکان و جوانان (Rakhimova, 2011). بهتر سازیم.

۴-۷- شهر دوستدار کودک با توجه به کودکان چیست؟

تجربه زیست محیطی کودکان و نوجوانان با بزرگسالان متفاوت است (Matthews, 1992). تحقیقات خاطرات بزرگسالان از مکانهای دوران کودکی نشان داده است که تجارب دوران کودکی به نظری رسد، بیشتر در مورد بافت و تنوعی از عملکرد های خاص است و بیشتر تجارب بجای بصری، لمسی است. بنظر می رسد مردم با شوق بیشتری اشکال، رنگ ها، حرکات، مناظر و صداهای جهان خارج از طبیعت را به خاطر می آورند (Francis, Cobb, 1977; Lukashok & Moore, 1986). Lynch, 1956; Moore, 1986 نیز تفاوت نگرش نسبت به محیط را بین کودکان و بزرگسالان برشمرده است. از بزرگسالان بپرسید "چه شکلی است؟" یا "آیا این مکان خوش منظره است؟" در حالی که از کودکان بپرسید "چه کاری می توانم اینجا انجام دهم؟" یا "آیا اینجا محلی برای تفریح است؟" به همین دلیل است که ارائه ای از شهردوستدار کودک در میان کودکان و بزرگسالان می تواند کاملا متفاوت باشد (Rakhimova, 2011). برای تعریف این تفاوت برخی از مطالعات در مورد درک کودکان از محیط زیست شهری انجام شده است. گروه اول تحقیقات بر مکان هایی که اغلب مورد استفاده کودکان قرار می گیرند و یا کودکان در مصاحبه به آن بعنوان مکانی جذاب اشاره کردند، متمرکز شده اند. در یک مطالعه که از کودکان خواسته شد تا مکان های مورد علاقه خود را که بعد از مدرسه و در تعطیلات آخر هفته می خواهند به آنجا بروند ترسیم کنند (Moore, 1986) دریافتند که کودکان طیف گسترده ای از مکانهای مختلف -52 نوع مکان متفاوت- را به نمایش گذاشتند. با توجه به نتایج بدست آمده، دسته های مختلفی از مکان های شهری که برای کودکان جذاب هستند وجود دارد. گروه اول مکانهایی که پر از فعالیت هستند؛ از جمله خیابانها، پیاده رو، مراکز خرید، مکانهای بافعالیت های متنوع از جمله بازی غایب موشک، بازی ساخت و ساز، بازی با موادی چون آب، برف، شن و ماسه را در بر می گیرد (Francis, 1982; Gray & Brower, 1977). دسته دوم که در مکان های جذاب برای کودکان قرار گرفته اند جاهایی هستند که تعامل با کودکان دیگر و بزرگسالان در آن امکان پذیر است (Muscovitch, 1980; Zerner, 1977). دسته سوم با تنوع کافی در محیط قرار گرفته اند و امکانات متنوعی برای استفاده دارند از جمله آنها مسیرها با ساختار متفاوت، مکانهای مبهم مانند خیابانها و کوچه های پستی (Zerner, 1977) و Bell & Coates (Kennedy, 1972; Coates هستند متنوع های متنوع هستند (Sanoff, 1972) (اماکنی با عناصر طبیعی مانند چمن، درختان، باغ و پارک در رده چهارم قرار دارند. مطالعات نشان داده است که کودکان اولویت بالایی را برای مکانهای طبیعی مانند پارک ها و فضاهای باز به نمایش گذاشته اند (Alexander, 1979; Berg & Medrich, 1980; Francis, 1988; Hart, 1979). دسته آخر مکانهای جذاب برای کودک مکانهای امن، صمیمی، سر بسته و پنهان (Zerner, 1977) و همچنین هیجان انگیز و خطرناک هستند (Hart, 1979; Muscovitch, 1980). مطالعات متعددی وجود دارد که بر مکانهایی که کودکان دوستدارند تمرکز کردند، با این حال معمولاً کودکان ترجیح می دهند که جاهایی را که دوست دارند رایبان کنند.

بنابراین، در تحقیق (Andel's, 1990)، تقریباً نیمی از مکانهای خسته کننده خیابانها بودند و در وسعت کمتر میدین و زمین های بازی است. دلایل اصلی برای این خسته کننده بودن نزدیکی ترافیک، بازدارنده های بازی کودکان و یا حضور بچه های زنده هستند. از دلایل متنوع تر شامل وجود زباله و شلوغی هستند. خیابانها نیز در نظر کودکان بعنوان مکانهای پر خطر به دلیل حجم و سرعت بالای ترافیک خودرو و احتمال تصادف دیده شدند (Rakhimova, 2011).

از تمام این مطالعات، این امکان وجود دارد که برخی از راههایی که کودکان به واسطه محیطی که در آن زندگی می کنند تحت تاثیر قرار می گیرند را ببینیم. محلات آنها مصنوع دنیای بزرگسالان هستند، عمدتاً در حول وحوش نیازهای افراد بالغ ساخته شده اند. کودکان موظف هستند که راهی برای اتصال و تطبیق با محیطی که زندگی می کنند پیدا کنند. در بسیاری از جهات، تنها انرژی، تخیل و پشتکارشان، این امکان را برای کودکان برای تعریف یک محیط قابل قبول برای بازی و اکتشاف فراهم می سازد (Rakhimova, 2011).

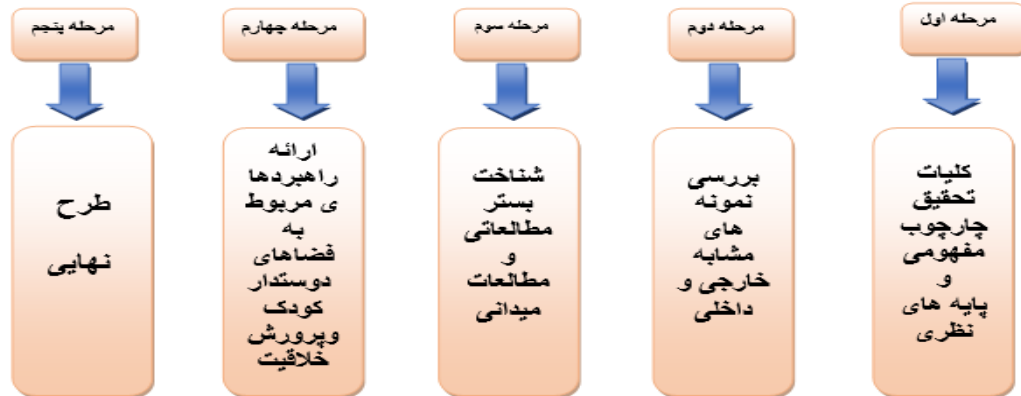
۵- پیشینه تحقیق

در سال ۱۹۶۸ سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد تاسیس شد. بلافاصله پس از آن یونسکو شروع به برنامه ده ساله با هدف افزایش درک درستی از راه حل های مردم محور برای مشکلات زیست محیطی کرد (Chawla, 2002). کوین لینچ طراح و برنامه ریز شهری برای رهبری این رویکرد میان رشته ای که شامل محققان اجتماعی، دانشمندان علوم طبیعی، معماران، طراحان و دیگر دانشمندان محیط شهری بودند، انتخاب شد. هدف از این پروژه توجه به "گروه کوچکی از نوجوانان و ارزش دادن به محیط فضایی آنهاست" (Lynch, 1977). این پروژه در نهایت بنام رشد در شهرها نامگذاری شد. در بخشی از این پژوهش از کودکان خواسته شد تا نقشه محلات خود را ترسیم کنند. این پژوهش اهمیت کمک به درک علمی از وضعیت کودکان در مناطق شهری را نشان داد. لینچ الهام بخش محققان دیگر از جمله مور ویانگ در انجام مطالعات تطبیقی بود که به مطالعه قلمرو خانگی کودکان، مکانهای وابسته و مسیرهایی که برای سفر در اطراف محله استفاده می شوند، پرداختند (Moore & Young, 1978). همچنین وارد، به بررسی رابطه کودکان با محیط شهری و ترویج مشارکت کودکان در برنامه ریزی شهری پرداخت (Ward, 1978). مسایل مربوط به دسترسی به سایت برای کودکان در دهه ۱۹۷۰ و دهه ۱۹۸۰ مطرح شد. از دهه ۱۹۷۰ کودکان و جوانان بتدریج از استفاده ایمن و لذت بردن از محلات خود دور شدند (Cahill, 1990; Gaster, 1991). در آخرین مطالعات در دهه ۱۹۹۰ و بعد از آن، ایده مشارکت کودکان در فرآیند برنامه ریزی عمومیت یافت. در اسکال (2002) استدلال می کند که جوانان باید در فرآیندهای توسعه جامعه دخیل باشند، به این دلیل که کودکان از نزدیک با محیط محلی آشنا شوند و از اینکه چگونه محیط محلی و تصمیمات برای توسعه آن بر زندگی و جامعه آنها تاثیر خواهد گذاشت، آگاهی پیدا کنند. مشارکت کودکان در توسعه جامعه می تواند هم برای کودکان بعنوان مهارت های جدید و هم برای بزرگسالان بعنوان اینکه درک بهتری از دیدگاه کودکان در مورد محیط محلی شان داشته باشند، مفید باشد. در همین زمان سازمان ملل متحد توجه بیشتر به مشکلات کودکان در شهرها نشان داد. به همین منظور سازمان ملل در کنفرانس اسکان بشر ۱ در استانبول ترکیه در سال 1996 انگیزه قوی را برای توجه به مشکلات کودکان در مناطق شهری ایجاد کرد، این مسئله در اعلامیه اسکان بشر بیان شد و در دستور کار هیئتات قرار گرفت (Rakhimova, 2011). مفهوم دوستی کودکان در سازمان ملل متحد مبنای کنوانسیون حقوق کودک قرار گرفت، کنوانسیون، حکم فعال مشارکت کودکان در زندگی شهری و ارتقاء سیستم های محلی به حکومت های متعهد به حقوق کودکان را برعهده دارد (UNICEF, 2004b). بنابراین دوستی کودک به عنوان یک مفهوم در طول دهه اخیر بیش از پیش در سطح جهانی، ملی، منطقه ای، جامعه و محلی گسترده شد. موضوع اصلی در جنبش دوستی کودک نگاه به سلامت کودکان به عنوان شاخص نهایی یک جامعه سالم و پایدار است (UNICEF, 1992, 1997). جنبش دوستی کودک پاسخی است به نگرانی های روبه رشد در مورد سلامت و تندرستی جوانان در کشورهای غربی در مواجهه با افزایش شهرنشینی (Gleeson & Sipe, 2006). براساس گزارش یونسکو در کشور ایتالیا اولین برنامه ریزی عملیاتی دولتی در سال ۱۹۷۷ در خصوص کودکان و نوجوانان صورت گرفت (UNICEF, 2004b). در ایران شهریم (بعد از زلزله ناگوار سال ۱۳۸۲) از نمونه هایی بود که رویکرد دوستدار کودک در بازسازی آن مورد نظر قرار گرفت. یونسف در بم برپیشبرد برنامه ریزی یکپارچه شهری، طراحی، توسعه و پیاده سازی در سطح خانه، محله و شهر تمرکز کرد (UNICEF RC.2005b).

۶- روش شناسی تحقیق

¹ -Unesco

چارچوب نظری این تحقیق بر مبنای نظریه شهر دوستدار کودک می‌باشد و روش‌های کیفی پرسشنامه، مصاحبه (انفرادی و گروه‌های کوچک ۲)، تحلیل‌های گرافیکی (عکس، نقشه، نقاشی کودکان) برای کسب اطلاعات دقیق از محدوده مورد استفاده قرار خواهد گرفت. جامعه آماری شامل کودکان پی‌ش دبستانی (۵-۷ سال) و سنین دبستان (۷-۱۱ سال) و والدین کودکان در محله فرهنگ مشهد می‌باشد. تعداد ۵۰ کودک ۲۰ بزرگسال بصورت تصادفی از محله مورد پژوهش قرار می‌گیرند. مراحل انجام این پژوهش به شرح زیر تعریف و تبیین می‌گردد:



شکل ۲- روش گردآوری اطلاعات

۷- جامعه آماری

در پژوهش حاضر از گروهی از والدین (۵۰ نفر) خواسته می‌شود تا پرسش‌نامه‌های طراحی شده را پر کنند. اساس نامه شهرهای دوستدار کودک (CFC) در سپتامبر سال ۲۰۰۰ میلادی، دبیرخانه جهانی شهرهای دوستدار کودک (CFC) ایجاد شد، تا این حمایت را انجام دهد و نیز مرجعی برای این کار باشد. سازمان CFC اصول کلی را درباره حمایت از رشد شهرهای مطلوب کودکان و رشد همکاری‌های دیگر، آماده کرد. قبل از سال ۲۱۱۱ این شبکه، فرم خاص و هیچ تشکیلات پاسخگو برای ضروریات و کمبودها تا آن زمان نداشت. چنانکه اساس نامه CFC در سال ۲۱۱۱ به این شرح است:

- تحقیقات میدانی و نوآوری توسط دولت محلی در جهت احقاق حقوق کودکان.
- گسترش شبکه بر اساس اطلاعات کودکان در جهت ایجاد شهر ایده آل برای آنها.
- حمایت از گسترش نشریات و ترویج و توسعه شهرهای دوستدار کودک در مراکز محلی و جهانی جهت توسعه شهرهای دوستدار کودکان جهان (Riggio, 2002).
- ویژگی‌های شهر دوستدار کودک طبق تعریف به شرح زیر می‌باشد:
- براین اساس درباره شهر مورد پسند کودک نکات زیر مورد توجه قرار می‌گیرند:
- ایمنی و امنیت کودکان
- احساس احترام و ارزش داشتن کودک
- سلامت کودکان
- تحرک مستقل و آزادانه
- دسترسی به خدمات و فعالیت‌های متنوع
- فرصت‌های اکتشافی بازی
- تماس با طبیعت (Woolcock, and Steele, 2008).

۸- دلایل ایجاد شهرهای دوستدار کودک

درخواست برای ایجاد شهرهای دوستدار کودک، ریشه در شناخت این موضوع دارد که شهرها خانه‌هایی جهت افزایش حمایت از حقوق کودکان هستند. با این وجود بسیاری از شهرهایی که اید هال بچه‌ها نیستند، دولت‌هایی را دارند که اقدامات اندکی در این جهت بر میدارند: [Unicef, 2002, 7]. ایجاد محیط‌های شهری که واقعاً از جامعه کودکان حمایت کنند مستلزم بررسی و مطالعه دامنه گسترده‌ای از موضوعات در سطوح مختلف محلی، ملی و جهانی است. شهر را نباید فقط محل سکونت دسته‌ای از افراد و مرکز قراردادهای دانست، بلکه آن متشکل از روحيات، افکار، آداب و رسوم، معتقدات و احساسات خاص همه افراد است.

۹- نقش فضای سبز در فضای شهری مختص کودکان

کودکان ذاتاً موجوداتی زیست دوست و طبیعت خواه متولد می‌شوند؛ این را به خوبی از حس کنجکاوی آن‌ها در مواجهه با طبیعت مشاهده کرد (فرح پور، ۱۳۸۸: ۲۰) تحقیقات مختلفی در خصوص تأثیرات مؤثر فضاهای سبز بر شاخصه های مختلف رفتاری کودکان وجود دارد. محیط ها و فضاهای باز در ادراکات و رفتارهای کودکان و تأمین رشد و خلاقیت آنها نقش به سزایی دارد (مظفر و دیگران، ۱۳۸۶). بسیاری از تحقیقات صورت گرفته در حوزه شهرهای دوستدار کودک به اهمیت و نقش بسیار مهم فضاهای سبز در این پروژه‌ها به عنوان یکی از شاخصه‌های بسیار مهم توجه دارد (Corsi, 2002:170).

۱۰- بررسی تحلیل عامل

در این بخش به بررسی مهمترین عوامل تاثیرگذار در فرایند طراحی پروژه که کدام است می‌پردازیم و از طریق آزمون تحلیل عامل و به صورت تخصصی از آزمون KMO and Bartlett's Test استفاده می‌کنیم. (جدول ۳)

جدول ۳ - نتایج آزمون های اماری

Component	Total Variance Explained					
	Initial Eigenvalues			Extraction Sums of Squared Loadings		
	Total	% of Variance	Cumulative %	Total	% of Variance	Cumulative %
1	2.638	37.685	37.685	2.638	37.685	37.685
2	1.604	22.916	60.601	1.604	22.916	60.601
3	1.108	15.827	76.427	1.108	15.827	76.427
4	.728	10.403	86.831			
5	.459	6.553	93.384			
6	.262	3.739	97.123			
7	.201	2.877	100.000			

در اینجا نشان می‌دهد طبق جدول (Total Variance Explained) سه معیار تحریک پذیری عناصر طبیعی- بازی و مشارکت کودکان- خیال پردازی به ترتیب بالاترین رتبه بندی را در این تحقیق نیز دارند.

۱۱- مکان یابی طرح

با توجه به حوزه عملکرد این پروژه که شهری است و همچنین به دلیل ماهیت خاص آن در جهت اعتلای معیارهای شهر دوستدار کودک، نیاز به مکان مناسبی برای این مرکز است، موارد ذکر شده متضمن معیارهایی برای مکان یابی این مرکز از قبیل ابعاد و وسعت زمین با توجه به عملکرد پروژه، تناسب کاربری پیشنهادی در طرح تفصیلی با کاربری پروژه، تناسب کاربری های اطراف با کاربری پروژه، دسترسی مناسب، دارا بودن بستر اجتماعی متناسب با پروژه، داشتن پتانسیل طبیعی و قابلیت توسعه می شوند اما طرح مورد نظر به دلیل ویژگی های عملکردی خاص خود نیازمند ویژگی های فراتری است که در ادامه بررسی می شود.

۱۱-۱- معیارهای مکان یابی نهایی طرح مورد نظر

بر اساس موارد ذکر شده می توان ۱۱ معیار را برای مکان یابی طرح مورد نظر مطرح کرد :

۱- ابعاد و وسعت زمین با توجه به عملکرد پروژه

۲- تناسب کاربری پیشنهادی در طرح تفصیلی با کاربری پروژه

۳- تناسب کاربری های اطراف با کاربری پروژه

۴- دسترسی مناسب و راحت برای ساکنین و خدمات دهندگان پهنه ی مورد نظر

۵- دارا بودن بستر اجتماعی متناسب با پروژه

۶- داشتن پتانسیل طبیعی

۷- قابلیت توسعه

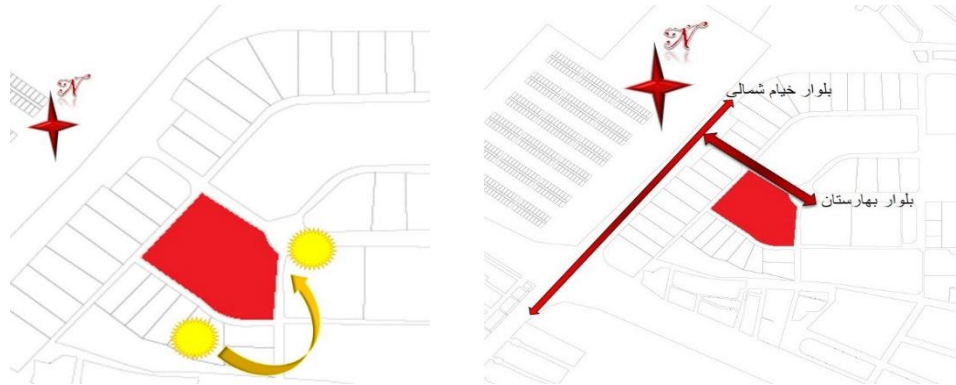
۸- دسترسی مناسب خدمات شهری

۹- عدم وجود مواد آلاینده، خطرناک و سمی در منطقه

۱۰- شرایط آب و هوایی مطلوب منطقه

۱۱-۲- موقعیت قرارگیری سایت انتخابی

سایت مورد نظر از بین سه سایت انتخاب شد و پس از بررسی های میدانی و مشخص کردن ویژگی ها و نقاط قوت و ضعف، یکی از سایت ها که قابلیت بیشتر در جهت اهداف پروژه داشت انتخاب گردید. این سایت در بلوار خیام مشهد، بلوار بهارستان و روبه روی الماس شرق واقع است. می توان از دلایل آن محدوده به خاطر جنبه وجود شهرسازی ها مربوط به کودکان و از نقاط دیدنی شهر محسوب می شود و نیز به دلیل آنکه خارج از محدوده ترافیکی مرکز شهر است اشاره نمود. متر از زمین: ۲۵۰۰۰ متر مربع می باشد.



شکل ۴- جهت تابش خورشید (نگارندگان)

شکل ۳- آنالیز سایت (نگارندگان)

۱۲- معرفی طرح

در این بخش قصد داریم به معرفی طرح پیشنهادی بپردازیم. از این رو ابتدا به ابعاد مختلف مطرح در طراحی مرکز پرداخته و ضمن توضیحاتی مختصر در ارتباط با آن، چگونگی نمود آن در طرح ما نیز شرح داده خواهد شد. در ادامه نیز سعی شده است با ذکر مراحل فرایند طراحی که به نوعی محصول و نتیجه نهایی فصول پیشین است بیان شود.

۱۲-۱- ابعاد مختلف طراحی مرکز

هر موضوع طراحی دارای ابعاد مختلفی می باشد که باید شناختی نسبی از آن ها پیدا کرده و در طول مسیر طراحی سعی در ایجاد تعادلی راضی کننده میان این ابعاد مختلف نمود. ابعادی که گاه هم دیگر را پشتیبانی نموده و گاه در تعارض با یک دیگر نیز قرار می گیرند. میزان اهمیت هر یک از این موارد در هر طرح بسته به موضوع می تواند متفاوت باشد. برای مثال شاید در طراحی یک موزه مقوله معناگرایی در معماری بسیار بیشتر از یک بیمارستان مطرح باشد و برعکس در یک بیمارستان عملکرد از هر موضوع دیگری بفرنج تر ظاهر شود. ابعاد عملکردی، اقلیمی، روان شناختی و فرمی در این جا به عنوان مهم ترین مقوله های دخیل در طراحی مرکز مورد مذاقه بیشتر قرار می گیرند و پس از توضیحی اجمالی درباره هر بعد، به تبیین موضع خود در قبال آن می پردازیم تا به این ترتیب برخوردارمان با مقوله طراحی روشن تر و مشخص تر گردد.

۱۲-۲- ابعاد عملکردی

بنای مرکز باید به میزان قابل قبولی برآورده کننده نیازهای عملکردی خود باشد. برونو زوی عملکرد را مجموعه وظایفی می داند که یک فضا بر عهده دارد. (معماریان، ۱۳۸۶: ۲۷۴) یعنی یک کارگاه باید به بهترین شکل به فعالیت انجام هنرهای مورد نظر پاسخ بدهد و تمام امکانات خود را به کار ببندد تا از عهده این وظیفه برآید. از طرفی وقتی از نگاه ویتروویوسی به این مسأله نگاه می کنیم به هر حال یوتیلیتاس به نوعی سودمندی هم اشاره دارد و بر این تأکید می کند که معماری همواره وجه سودمندی را بابت عملکرد داشتن در خود دارد که همین آن را محل دعوای کسانی کرده که معماری را می خواهند در دسته هنر جای بدهند یا ندهند.

اما آن چه در این جا باید ذکر شود این است که ما نگاه خشک به عملکرد را نمی پذیریم و معتقد نیستیم که پلان و فرم بنا محصول تبدیل یک به یک عملکردها است. در این طرح ما یک نگاه انعطاف پذیر به عمل کرد داریم. یک معمار عملکردگرا از نوع اول یک کارگاه را برای عمل کرد انجام کارهای هنری طراحی خواهد کرد بی آن که به این توجه کند که در نهایت کاربر استفاده های بسیار پیچیده تر و گسترده تری از آن فضا خواهد کرد. در این نگاه ما بیشتر به قابلیت های فضا پرداخته ایم

و با علم به این که کاربر رفتارهای متنوعی را در فضا از خود بروز خواهد داد که برخی قابل پیش‌بینی دقیق هم نیستند، به جای طراحی یک به یک محیط بر اساس عملکرد، بخشی از فضاها را به صورت آزادتر و با در نظر گرفتن نیازهای ثانوی کودک و ویژگی‌های عمومی وی که پیش از این به آن پرداخته شد، طراحی نموده ایم.

۱۲-۳- ابعاد اقلیمی-طراحی

اقلیم از دیر ایام یکی از ابعاد مهم شکل دهنده معماری بوده است، و از آن جا که فاکتوری تعیین کننده می باشد که عنان آن دست معمار یا استفاده کننده نبوده است، سیاست معماران تعامل با آن بوده است. نقش اقلیم به هر حال به اندازه ای پررنگ بوده است که شدت تأثیرگذاری آن در رقابت با بعد پررنگ فرهنگی همواره محل بحث و جدل میان علاقه مندان به مبانی نظری معماری بوده است. اما مشخص آن است که اقلیم اگرچه مهم است اما نباید موجب دست و پا بسته شدن معماری گردد و به عبارت دیگر همان گونه که معماری صرفاً پاسخی به عملکردها نیست، صرفاً ابزار تعدیل اقلیم هم نیست و باید به بقیه ابعاد هم مجال بروز داده شود تا از برهم کنش همه این بعدها یک اثر معماری مطلوب شکل بگیرد. از آن جایی که کاربران اصلی مرکز کودکانی هستند که به لحاظ جسمی نسبت به بزرگ سالان آسیب پذیرترند، بنابراین مسأله تهویه از اهمیت زیادی در این ساختمان برخوردار است. از این رو سعی شده است تا با در نظر گرفتن بازشوهایی در قسمت های مختلف و جهت گیری کلی بنا با توجه به جهت وزش باد مطلوب تا حدی امکان استفاده از تهویه طبیعی فراهم شود. نور غرب علاوه بر این که روحیه نامطلوبی را برای کودکان به همراه می آورد، از نظر آسایش حرارتی نیز موقعیت بگرنجی به وجود آورده و از این رو نورگیری فضاهای مختلف بیشتر از جبهه های شمالی و جنوبی انجام شده است. توضیحات بیشتر در این زمینه در فصل قبل ارائه شد.

۱۲-۴- ابعاد روان شناختی

در این جا ابعاد روان شناختی بیشتر به تعامل انسان با محیط مربوط می شود. به هر حال انسان با محیط خود در ارتباط است، بر آن تأثیر می گذارد و از آن تأثیر می پذیرد. در بسیاری از مواقع روحیات افراد متأثر از فضایی است که در آن قرار می گیرند. در معماری مدرن که به اعتقاد لنگ درکی غیرواقعی از نیازهای آدمی در سر می پروراند، بخش مهمی از همین نیازهای روان شناختی مورد کم توجهی واقع گردید. فضای دکارتی معماری مدرن به مجموعه ای از نقاط دارای مختصات مشخص فروکاست گردیده بود و این در حالی است که امروزه ما می دانیم که این تلقی از فضا، انتزاعی است و مردم، معماری و فضای آن را با صفات کیفی آن می شناسند نه با کمیات. برای آدم ها یک فضا دل باز است و یا دل گیر یا دنج است و یا فراخ این ها صفاتی است که فضا با آن شناخته می شود. چیزهایی که نگاه مبتنی بر مختصات هندسی آن را نمی شناسد و از درک آن عاجز است. در طراحی مرکز دقت شده است که فضاها صرفاً از بعد هندسی مورد توجه و طراحی قرار نگیرد، بلکه به عوامل مؤثر در درک فضا توجه شود که پیش از این به چگونگی برخورد با هر یک از این مقولات پرداختیم مکان های ویژه کودکان در کشور ما در بسیاری مواقع نتوانسته اند در این زمینه مناسب عمل کنند و در بهترین نمونه ها نیز به همه موارد توجه نشده است. فضاهای ادراک حسی باید فراخ تر از فضاهای هندسی باشد تا محیط بیرون جولان گاه چشم و ذهن افراد باشد. کودک نباید احساس کند در فضایی زندان شده و راهروها نباید تنگ و تاریک باشند. بلکه دید به چشم انداز بیرون و نور کافی در تمامی فضاها مد نظر قرار گرفته است. حضور کودک در طبیعت سبز و تأمین فضای کافی برای تحرکات وی نیز از موارد بسیار مهمی است که در این طراحی مورد توجه ویژه قرار گرفته که می تواند در تأمین آسایش روانی وی نقش اساسی داشته باشد.

۱۲-۵- ابعاد فرمی

فرم مقوله بسیار بحث برانگیزی در مباحث معماری است. یک جدال دیرین در تقابل فرم و عملکرد همواره وجود داشته است و در این زمینه آرا متفاوتی را از زمان ویتروویوس تا امروز شاهد بوده ایم. از سویی عده ای فرم را تابع عملکرد و از سویی دیگر عده ای که به جنبه های هنری معماری تأکید دارند آن را مستقل و محل مانور معماری می دانند. به هر حال این که تا چه میزان باید به فرم در معماری پرداخت سؤال مهمی است. این مسأله به موضوع طراحی هم بستگی دارد. اما در کل کسانی که نگاهی شبیه ظرف به معماری دارند، بیشتر به فضا اهمیت می دهند تا ظرف بهتری برای رفتارها و فعالیت های ساکنین بنا ایجاد نمایند. برونو زوی به کل پرداختن به ابعاد فرمال در معماری را نوعی انحراف معرفی می کند و معتقد است آن چه معماری را می سازد فضا است و فضا هم باید در ابتدا به وظایفی که بر عهده دارد و او آن را عملکرد قلم داد می کند، پاسخ دهد (معماریان: ۶۸)

در این جا ما از فرم در مکانی باید صحبت کنیم که متعلق به کاربری خاص به نام کودک با تمام حساسیت های روحی اش است. بنابراین فرم آن باید فرمی زیبا و در عین حال آرام باشد. شاید این مطلب در مقایسه با بایسته های فرمی، در یک خوابگاه دانشجویی یا یک ساختمان اداری بهتر شفاف شود. از سویی شاید بتوان گفت یک هندسه نامنظم در یک خوابگاه با عمل کردهای خاص چندان قابل پذیرش نیست اما در یک مرکز آفرینش هنری که کودکان در آن به امور هنری می پردازند پذیرفته است که شکل گیری برخی فضاها بیشتر بر اساس ایده های فرمی باشد. اما در عین حال باید مراقب بود که پرداختن افراطی به فرم سبب لطمه زدن به عمل کردهای مورد نیاز نشود و این دو مقوله به گونه ای مناسب با یک دیگر تطابق پیدا کنند. در ارتباط با چگونگی سازمان دهی فرم در این در فصل مطالعات تکمیلی به تفصیل مباحثی مطرح شد.

۱۲-۶- فرایند طراحی

همان طور که می دانیم فرایند طراحی فرایندی نیست که بتوان آن را با شماره گذاری دقیق مراحل از دریافت موضوع تا رسیدن به طرح نهایی بیان کرد. بلکه موضوع به حدی پیچیده است که حتی گاهی خود طراح هم به سختی می تواند آن را شرح دهد و یا حتی قادر به انجام آن نیست. در این جا سعی می کنیم تا حد امکان مسیر رسیدن به جواب را در قالب ذکر مهم ترین مراحل شفاف سازیم. واضح است که این مراحل هرگز مطلق نبوده و عوامل مؤثر در شکل گیری طرح که در مراحل مختلف ظهور می کنند، مدام در حال تأثیر متقابل بر یک دیگر هستند.

گام اول: اگر بخواهیم در مورد شروع طراحی صحبت کنیم باید به مجموعه ای از عوامل و ایده های طراحی که قبل از دست بردن به قلم در ذهن طراح شکل گرفته اشاره نماییم. این موارد حاصل مطالعات پراکنده و مختصر ابتدایی طراح و درگیری ذهنی وی با موضوع طراحی است. این موارد عبارتند از:

- روحیه پارک مانند مجموعه پخش شدن ساختمان در سایت
- نقش پررنگ طبیعت سبز
- کشیدن فضای باز و طبیعت به داخل بنا
- آگاهی قبلی نسبی از برنامه فیزیکی حوزه بندی ابتدایی عمل کردها
- سایت جبهه های نورگیری
- جهت کشیدگی بنا و مشخص شدن جای حدودی ورودی

گام دوم: نحوه حوزه بندی ابتدایی:

- قرارگیری ورودی در محدود میانی ضلع جنوبی سایت به منظور سهولت دسترسی به بخش های مختلف و سازمان دهی مناسب تر حوزه ها
- قرار گیری کارگاه ها و بخش اداری به صورت مجزا از هم
- قرارگیری امفی تئاتر و نمایشگاه در ضلع غربی
- قرارگیری فضای بازی در جبه جنوبی سایت

گام سوم: پس از لکه گذاری اولیه سایت شروع به طراحی ریزتر فضاها در حوزه های مشخص شده بر اساس برنامه فیزیکی کردیم. ابتدا به جای گذاری کارگاه ها که مهم ترین بخش طراحی بود پرداخته و خطوط اصلی شکل دهنده حوزه ترسیم شد. در این قسمت نیز با در نظر گرفتن ایده ها و شرایطی جدید یک گام دیگر به جلو پیش رفتیم. برخی ایده ها و عوامل شکل دهنده طرح در این مرحله عبارتند از:

- جهت کشیدگی ساختمان
- وجود حیاط های در داخل ساختمان
- قرارگیری ورودی اصلی و ورودی اداری

گام چهارم: اکنون استخوان بندی و ساختار اصلی طرح شکل گرفته و مورد خاصی که نیاز به تغییرات اساسی در طرح را به وجود آورد به نظر نمی رسد. حال زمان آن رسیده بود که جزئیات، بیشتر و حساب شده تر برای ترکیب مناسب تر فضاها و احجام به طرح افزوده شود. در این مرحله عملیاتی چون طراحی بوفه و سرویس های بهداشتی و طراحی دقیق تر جزئیات فضاها داخلی انجام گرفته تا به رضایت نسبی طراح از طرح حاصل رسید.

نتیجه گیری

با توجه به مطالعات انجام شده و نیز راهکارهای پیشنهادی در جهت طراحی مرکز دوستدار کودک مطلوب، سایت و فضاهای روباز مورد استفاده ی کودک، در عین خوانایی و عدم ایجاد حس گمشدگی و ترس در کودک، باید دارای سیالیت و تنوع، برای ایجاد حس تحرک و کنجکاوی در کودک باشد لذا سعی شد در حین استفاده از فضای سبز و طبیعت در جهت ایجاد حس خوانایی و امنیت، در طراحی ریز فضاهای روباز از خطوط، اشکال و احجام متنوع و سیال جهت برانگیختن حس کنجکاوی و تحرک در کودکان استفاده شود.

منابع

۱. آزموده، م (۱۳۹۱). "معماری و طراحی برای کودکان". چاپ اول. تهران: انتشارات علم و دانش.
۲. آزموده، م. (۱۳۸۹). "کودک و جایگاه مؤثر او در طراحی شهری"، مجموعه مقالات همایش ملی منظر شهری ۷۸ و ۷۹ آذر ماه، تهران: پژوهشکده فرهنگ و هنر جهاد دانشگاهی.
۳. اسماعیل زاده کواکی، ع (۱۳۹۰). "تحلیل و برنامه ریزی شهر دوستدار کودک". پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه زابل.
۴. آقا لطفی، آ (۱۳۸۷). "مناسب سازی محیط برای خلاقیت کودکان"، مجموعه مقالات کنفرانس ملی خلاقیت شناسی، ۱۴ و ۱۵ آبان ۷۸، پژوهشکده علوم خلاقیت شناسی.
۵. احدی، ح و بنی جمالی، ش (۱۳۷۴). "روانشناسی رشد(مفاهیم بنیادی در روانشناسی کودک)". چاپ هشتم، تهران: نشر بنیاد.
۶. احمدی، ا (۱۳۸۱). "باغ کودک یک پیوند زیست محیطی میان خانه مدرسه و محله". پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته معماری (دکتر عیسی حجت)، دانشگاه تهران.
۷. "اندکی درباره ی انجمن های دوستدار کودک"، فصلنامه ی مربی، ش ۵۷، ص ۳
۸. ایزد پناه جهرمی، آ (۱۳۸۳). "کودک، بازی و شهر - فرایند، اصول" و "معیارهای برنامه ریزی و طراحی فضاهای بازی کودکان". چاپ اول، سازمان شهرداری های کشور.
۹. برک، ل (۱۳۸۹). "روان شناسی رشد(از لقاح تا کودکی)". (مترجم یحیی سید محمدی)، جلد اول، ویراست چهارم، چاپ شانزدهم، ناشر ارسباران.
۱۰. بلتسیک، گ (۱۳۸۶). "معماری مهد کودک"، (ترجمه محمدرضا ثقفی و صدیقه بصیریان)، اصفهان: نشر خاک.
۱۱. ترابی، م (۱۳۹۰). "طراحی شهر دوستدار کودک (نمونه موردی محله شهر آرا)". پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته طراحی شهری، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۲. جوادی، س (۱۳۹۱). "هندسه در طراحی پارک کودک"، مجموعه مقالات معماری، ش ۹، ص ۱۷۴، تهران: انتشارات چارتاق.
۱۳. داگلاس، ی (۱۳۷۴). "اصلاح رفتار کودکان"، (ترجمه، سیاوش جمال فر)، تهران: فهیم.
۱۴. دریسکل، د (۱۳۸۷). "ایجاد شهرهای بهتر با کودکان و نوجوانان: راهنمایی برای مشارکت و پژوهشی مشارکتی"، (ترجمه: مهنوش توکلی و نوید سعیدی رضوانی)، تهران: دیباچه، چاپ نخست.
۱۵. راجرز، ی (۱۳۵۹). "خلاقیت در آموزش مدرسه ای". (ترجمه علی درویش)، پویه، شماره ۱.
۱۶. رستگار، ا (۱۳۸۷). "راهنمای طراحی شهری دوستدار کودک". پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته طراحی شهری، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۷. رفیعیان، م (۱۳۹۰). "شهر دوستدار کودک از ایده تا واقعیت"، فصلنامه شهرسازی و معماری آبادی، ج ۵۱، ص ۴۸، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
۱۸. زند رضوی، س (۱۳۸۸). "ظرفیت های سرمایه اجتماعی برای برپایی اجتماعات محله ای در شهر دوستدار کودک در بم"، فصلنامه ی رفاه اجتماعی، ش ۳۳، ص ۸۱.
19. Chawla, L.(2002). Growing up in an urbanizing world. Unesco Publishing. Page 450.
20. Lennard, H.L. 1997. The good city for children, in making cities livable (L.S.H Crowhurst et l Eds.), California, U.S.A.
21. Riggio, E.(2002). Child friendly cities. Good governance in the best interests of the child. Environment&Urbanization. Vol 14 No 2. Page 14.
22. UNICEF. (2002). Poverty and exclusion among urban children, Unicef innocent research centre, florence forthcoming. page, 24.
23. "A Practical Guide for Developing Child Friendly Spaces" at: <http://www.unicef.org>

